



تفسیر ماده ۵۴۰ قانون مدنی با تاکید بر اصل

حسن نیت

(بررسی تطبیقی در حقوق کشورهای اسلامی، فقه امامیه و حقوق ایران)

فرشید خسروی؛ محمود کهنی

چکیده

عقد مزارعه از جمله عقود مستمر و موقت است، لذا برای صحت آن لازم است مدت آن معین شود، گاهی با وجود تعیین مدت ممکن است در نتیجه رخ دادن قوه قاهره در مدت تعیین شده زرع نرسد و قابل برداشت نشود، در خصوص این حالت مقنن در ماده ۵۴۰ قانون مدنی بیان می‌دارد: «هرگاه عقد مزارعه منقضی شود و اتفاقاً زرع نرسیده باشد مزارع حق دارد که زراعت را ازاله کند یا آن را با اخذ اجرت المثل ابقاء کند». در خصوص حکم این ماده اختلاف نظر زیادی در بین فقها و حقوقدانان وجود دارد. در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن بررسی و نقد نظریات مطرح شده در این مورد، تفسیری بر مبنای اصل حسن نیت ارائه شود. همچنین راه حل حقوقی کشورهای دیگر نظیر مصر و قطر بطور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اصل حسن نیت، اجرت المثل، قوه قاهره، عامل

مقدمه

یکی از عقود معین مقرر در قانون مدنی مزارعه می‌باشد، مزارعه از جمله عقود مشارکتی است، این عقد مخلوطی از دو عقد اجاره و شرکت می‌باشد، مزارعه شرکت کار و سرمایه برای کشاورزی است، مقنن در مواد ۵۱۸ تا ۵۴۲ قانون مدنی شرایط و احکام عقد مزارعه را بیان کرده است. در بیان ویژگی‌های عقد مزارعه می‌توان گفت که مزارعه عقدی لازم،

۱- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی تهران lawfarshid@yahoo.com استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد (واحد بندرانزلی)

تملیکی، معوض، رضایی، احتمالی و موقت است. باتوجه به آنچه که گفته شد عقد مزارعه از عقود مستمر موقت است که برای صحت آن لازم است مدت آن معین شود. لزوم معین بودن مدت مزارعه به جهت تعیین دفعات کشف و نیز میزان تعهدات عامل می‌باشد. بنابراین لازم است زمان آغاز و پایان عقد تعیین شود. به همین جهت در ماده ۵۱۸ ق.م.مقرر شده است: «مزارعه عقدی است که به موجب آن احد طرفین زمینی را برای مدت معین به طرف دیگر می‌دهد که زراعت کرده و حاصل را تقسیم کنند». با وجود تعیین مدت ممکن است در نتیجه رخ دادن قوه قاهره در مدت تعیین شده زرع نرسد و قابل برداشت نشود در این فرض طرفین چه اقدامی می‌توانند انجام دهند؟ مقنن در ماده ۵۴۰ قانون مدنی در خصوص این فرض بیان می‌دارد: «هرگاه عقد مزارعه منقضی شود و اتفاقاً زرع نرسیده باشد مزارع حق دارد که زراعت را ازاله کند یا آن را با اخذ اجرت المثل ابقاء کند». در خصوص حکم این ماده اختلاف نظر زیادی در بین فقها و حقوقدانان وجود دارد (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱۰۷؛ امامی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۶۳-۱۶۵). سه نظر در فقه در این رابطه مطرح شده است که عبارتند از: ۱. ازاله زراعت بدون دادن ارش، ۲. ازاله زراعت با دادن ارش، ۳. ازاله زراعت بدون دادن ارش در صورت تقصیر زارع و ابقای زراعت با گرفتن اجرت المثل در صورت عدم تقصیر زارع (اصغری آق مشهدی؛ محمدزاده، ۱۳۸۵: ۹). در متون حقوقی نیز نظرات مختلفی از سوی حقوقدانان ارائه شده است، عده ایی ماده مزبور را خلاف مصالح اجتماعی دانسته‌اند و درصد تعدیل آن برآمده اند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۴۳). برخی دیگر از حقوقدانان در مورد ماده ۵۴۰ قانون مدنی عقیده دارند که «از ظاهر عبارت ماده مالک را مخیر بین ازاله زراعت و یا ابقاء آن با اخذ اجرت المثل نموده این طور مستفاد می‌شود که مالک در ازاله زراعت مجبور به دادن ارش نیست به عبارت اخیری اگر مالک این شق را اختیار نمود عهده دار پرداخت تفاوت قیمت بین دو حالت زراعت نخواهد بود و مقصود از دو حالت یکی قیمت زراعت در حال بقاء تا زمان حصاد با وضع اجرت المثل و دیگری قیمت آن است در حال ازاله و کندن آن.» (بروجردی عبده، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

باتوجه به مطالب یاد شده، پرسش‌هایی که این مقاله به دنبال پاسخگویی به آن است، به این شرح است: آیا در فرض وقوع قوه قاهره عامل مسؤلیتی دارد؟ آیا در قانون مدنی تفاوتی بین عامل با حسن نیت و سوءنیت می‌باشد؟ راهکار حقوق کشورهای دیگر در این رابطه چگونه است؟

هدف ما در این پژوهش بررسی اقوال مختلف فقها و حقوقدانان در این رابطه و ارائه تفسیری مبتنی بر اصل حسن نیت با رعایت جانب انصاف و عدالت می‌باشد. در ادامه نیز نظر به اهمیت و مزایای مطالعه تطبیقی راه حل کشورهای دیگر نظیر عراق و مصر را در این خصوص را مورد بررسی قرار خواهیم داد. این پژوهش شامل سه گفتار می‌باشد که در گفتار

نخست نظرات فقها و حقوقدانان را مورد بررسی و نقد قرار خواهیم داد، در گفتار دوم وجود اصل حسن نیت در حقوق ایران را بررسی می‌کنیم و نظر تفسیری خود را با تاکید بر این اصل بیان خواهیم نمود. در گفتار سوم نیز حقوق کشورهای دیگر را بطور اجمالی بررسی می‌کنیم.

گفتار اول: بررسی و نقد نظرات ارایه شده از سوی فقها و حقوقدانان

این گفتار شامل دو بخش می‌باشد. در بخش اول به بیان نظرات فقها و نقد آن‌ها خواهیم پرداخت و در بخش دوم نظرات ارایه شده از سوی حقوقدانان مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

۱-۱- نظرات فقها

همانطور که قبلاً گفته شد در خصوص موضوع ماده ۵۴۰ قانون مدنی اختلاف نظر زیادی بین فقها وجود دارد که در جمع نظرات مختلف و جهت پرهیز از تکرار مطالب می‌توان دیدگاه فقها را به سه مورد تقسیم نمود و مورد بررسی قرار داد. این سه نظر عبارتند: الف: ازاله زراعت بدون دادن ارش. ب: ازاله زراعت با دادن ارش. پ: ازاله زراعت بدون دادن ارش در صورت تقصیر زارع و ابقای زراعت با گرفتن اجرت المثل در صورت عدم تقصیر زارع.

الف: ازاله زراعت بدون دادن ارش

مشهور فقها معتقدند که چون مدت مقرر منقضی شده است، مالک تکلیفی به ابقای زرع در زمین ندارد و براساس قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم) حق ازاله زرع را دارد. خواه این نرسیدن زرع در نتیجه تعدی و تفریط زارع باشد، یا به سبب قوه قاهره نظیر خشکسالی (حلی، ۱۴۲۸: ج ۱، ۳۱۳؛ خوبی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۲۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ج ۹، ۳۷۰). صاحب جواهر در این باره بیان داشته است: مالک بعد از انقضای مدت مزارعه می‌تواند به مقتضای قواعدی مانند قاعده تسلیط و قاعده حرمت تصرف در مال مسلمان بدون رضایت عامل زراعت را قلع کند تفاوتی هم نمی‌کند که عامل مرتکب تقصیر شده یا نشده باشد (نجفی، ۱۴۹۴: ج ۲۹، ۱۶). ایراد نظر این گروه از فقها این است که فرقی بین عامل با حسن نیت و عامل با سوءنیت (عاملی که نرسیدن زرع ناشی از تقصیر او باشد) قایل نیستند. و بدون توجه به ملاک ماده ۵۳۶ قانون مدنی که حکم عاملی را که تقصیر کرده است و به عبارتی سوء نیت داشته است بیان می‌کند، حکم ماده ۵۴۰ را شامل هر عاملی می‌دانند، چه عامل با حسن نیت و چه عاملی که سوء نیت داشته است.

ب: ازاله زراعت با دادن ارش

برخی از فقها عقیده دارند که باتوجه به انقضای مدت عقد مالک تکلیفی بر ابقای زرع ندارد و تصرف در ملک غیر، عقلا قبیح است (فخر المحققین، ۱۴۲۶: ج ۹، ۲۲۶). اما از آنجا که بین زرع کاشته شده و زرع کننده شده تفاوت قیمتی وجود دارد لذا نقص محسوب می‌شود (صمیری، ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۶۸). علامه در قواعد نوشته است: قول اقرب به واقع این است که مالک می‌تواند زرع را با دادن ارش ازاله کند اعم از اینکه نرسیدن زرع به علت تقصیر باشد یا عوامل طبیعی مثل تغییر هوا (حلی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۳۱۲). طریق تقویم ارش به این صورت است که نسبت قیمت زرع در فرض بقای در زمین باجرت و قیمت زرع قلع شده را به عنوان ارش قابل مطالبه در نظر می‌گیرند (وجدانی فخر، ۱۴۲۶: ج ۹، ۲۶۶). اشکال وارد بر نظریه این عده از فقها این است که مطلقاً مزارع را مکلف به پرداخت ارش می‌دانند. اعم از اینکه عمل در نرسیدن زرع مقصر باشد یا به علت قوه قاهره. این نظر در صورتی که نرسیدن زرع ناشی از قوه قاهره باشد منطقی و قابل قبول است، اما در صورتی که نرسیدن زرع ناشی از تقصیر عامل باشد منطقی و قابل قبول نمی‌باشد. همانطور که برخی فقها هم گفته‌اند زارع در این حالت در حکم غاصب است، در نتیجه مالک می‌تواند بدون پرداخت ارش زراعت را قلع نماید (کرکی، ۱۴۱۱: ج ۷، ۳۱۸).

پ: ازاله زراعت بدون دادن ارش در صورت تقصیر زارع و ابقای زراعت با گرفتن**اجرت المثل در صورت عدم تقصیر زارع**

عده‌ایی از فقها در صورتی که نرسیدن زرع پس از انقضاء مدت، از تقصیر عامل ناشی شده باشد مثل تاخیر در کاشت زرع با موردی که نرسیدن زرع ناشی از تقصیر عامل نباشد تفکیک قایل شده‌اند، در صورت اول مزارع حق دارد زراعت را بدون دادن ارش ازاله کند ولی در صورت دوم حق ندارد زرع را ازاله کند (کرکی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۴۸؛ طوسی، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۵۷). نظریه مذکور با اصل حسن نیت و قوانین سایر کشورها هماهنگ و در راستای مصالح اجتماعی می‌باشد. هرچند در ادله این دسته از فقها به صراحت به مفهوم حسن نیت اشاره نشده است اما مفهوم حسن نیت بطور ضمنی از این نظریه قابل برداشت می‌باشد.

۱-۲- نظرات حقوقدانان

همانطور که قبلاً بیان شد اختلاف نظر زیادی در این خصوص بین حقوقدانان وجود دارد. برخی از حقوقدانان، این ماده را خلاف مصالح اجتماعی دانسته‌اند و درصدد تعدیل آن بر آمده‌اند (طباطبایی؛ اسعدی (۱۳۹۵) به نقل از کاتوزیان (۱۳۸۸)). دکتر امامی در مورد ماده ۵۴۰ قانون مدنی معتقدند مزارع مطلقاً حق ازاله زرع نارس را دارد (امامی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۸۸). ایراد نظر ایشان این است که فرقی بین عامل با حسن نیت و عامل با سوءنیت (عاملی

که نرسیدن زرع ناشی از تقصیر او باشد) قایل نیستند. و بدون توجه به ملاک ماده ۵۳۶ قانون مدنی که حکم عاملی را که تقصیر کرده است و به عبارتی سوء نیت داشته است بیان کرده است، حکم ماده ۵۴۰ را شامل هر عاملی می‌دانند، چه عامل با حسن نیت و چه عاملی که سوء نیت داشته است.

برخی دیگر با استناد به واژه "اتفاقاً" که در متن ماده ۵۴۰ آمده است، حکم مندرج در ماده مزبور را منحصر به موردی دانسته‌اند که نرسیدن زرع اتفاقی باشد. (عدل، ۱۳۹۴: ۲۳۳) «مثلاً به دلیل دوام سرمای بیش از حد معمول باشد و الا اگر نرسیدن زرع در نتیجه دیرتر از فصل کاشتن بذر توسط عامل باشد، از شمول ماده ۵۴۰ خارج و مشمول ماده ۵۳۶ قانون مدنی خواهد بود. به موجب ماده مزبور: «هر گاه عامل به طور متعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگر متوجه مزارع گردد عامل، ضامن تفاوت خواهد بود» (اصغری آق مشهدی، محمد زاده (۱۳۸۵) به نقل از امامی نمینی (۱۳۸۳). این حرف درست به نظر نمی‌رسد، زیرا در این بحث، اگر زرع باقی بماند حاصل کم نمی‌شود و از این جهت ضرری به مالک وارد نمی‌شود و ضرر تأخیر نیز با ابقای زرع و گرفتن اجرت المثل جبران می‌شود. از طرفی، چنان که برخی نویسندگان نیز متذکر شده‌اند واژه "اتفاقاً" در ماده ۵۴۰ به معنای "اگرچه" و حکم ماده از این جهت عام بوده و شامل هردو صورت خواهد بود»، چنین تفسیری از قید اتفاقاً علاوه بر اینکه با مفهوم ماده ۵۳۶ قانون مدنی متعارض است با اصل حسن نیت نیز هماهنگ نیست. چرا باید شخص عامل را که هیچ تعدی و تفریطی انجام نداده و با حسن نیت رفتار کرده است را مستحق چنین حکمی دانست؟ اگر قید اتفاقاً را به اگرچه معنا کنیم خلاف اصول و قواعد حقوقی می‌باشد. برخی دیگر از حقوقدانان در تفسیر ماده ۵۴۰ قانون مدنی بیان کرده اند: حکم ماده مذکور را با توجه به اصل ۴۰ قانون اساسی، مواد ۱۷ و ۵۰۴ قانون مدنی و ماده ۴۸ قانون اجرای احکام مدنی باید به موردی محدود نمود که نرسیدن زرع ناشی از تقصیر عامل باشد. در غیر این صورت مالک حق ازاله زراعت را ندارد و باید در صورت رضایت عامل با ابقای زرع اجرت المثل را از عامل دریافت کند (اصغری آق مشهدی؛ محمد زاده، ۱۳۸۵: ۱۸).

گفتار دوم: تفسیر ماده ۵۴۰ قانون مدنی بر مبنای اصل حسن نیت

قبل از ارایه تفسیری بر مبنای اصل حسن نیت لازم است مفهوم اصل مذکور و وجود آن در حقوق ایران بررسی شود.

۲-۱ مفهوم اصل حسن نیت و شناسایی آن در حقوق ایران

با اینکه حسن نیت در عرصه داخلی و بین‌المللی اصلی مورد قبول و شناخته شده است، اما تا به حال در نصوص قوانین ملی و بین‌المللی تعریفی از آن ارائه نشده است. علت این امر کوتاهی مقنن و دکترین نمی‌باشد بلکه برخی از مفاهیم وجود دارند که مستغنی از تعریف می‌باشند (امینی، ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۲۳). حسن نیت دارای معانی گوناگونی است، که حسن نیت به معنای تصور اشتباه و حسن نیت به معنای صداقت رایج‌تر از معانی دیگر می‌باشد. حسن نیت به معنای تصور اشتباه که جوهره آن را جهل تشکیل می‌دهد دارای کاربرد و نقش حمایتی است که بیشتر در حوزه اموال و نکاح به کار می‌رود. حسن نیت به این معنا اصل است یعنی فرض بر حسن نیت است و مدعی کسی است که ادعای سو نیت دارد. در این مورد فرد با حسن نیت به کسی اطلاق می‌شود که با جهل به وضع حقوقی خود یا طرف مقابل یا وجود یک رابطه، عملی را انجام می‌دهد که نباید انجام می‌داد، اما حسن نیت به معنای صداقت بر خلاف معنای نخست، جنبه حمایتی نداشته و یک اصل الزام آور و تکلیفی می‌باشد که مطابق آن، طرفین قرارداد باید صداقت را رعایت کنند و به دور از هرگونه تقلب در معامله رفتار نمایند (انصاری، ۱۳۸۸: ۳۰ و ۴۳). حسن نیت به این معنا دیگر فرض نیست و باید ثابت شود. این معنا معنای حداکثری حسن نیت است و به این معنا جنبه تکلیفی و الزام آوری دارد و طرفین عقد را ملزم به صادق بودن نسبت به یکدیگر می‌کند. مواد ۳۲۵، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵ و ۱۰۹۹ قانون مدنی نمونه‌هایی از پذیرش اصل حسن نیت به معنای تصور اشتباه می‌باشند. حسن نیت به معنای صداقت در حقوق ایران خواه بطور سلبی و خواه ایجابی مورد توجه قرار گرفته است. مواد ۲۶۳ و ۳۹۱ قانون مدنی، ماده ۱۲ قانون بیمه نمونه‌هایی از پذیرش این مفهوم می‌باشند. بنابراین، با اینکه در قانون مدنی ایران بر خلاف قانون مدنی فرانسه که خاستگاه اصل حسن نیت می‌باشد، صراحتاً به حسن نیت اشاره نشده است. با این وجود نتایج عملی ایناصل، بطور سلبی و ایجابی در حقوق موضوعه ایران مستندات زیادی دارد که در فوق به آنها اشاره شد.

۲-۲ تفسیر ماده ۵۴۰ قانون مدنی بر مبنای اصل حسن نیت

نظریات دکترین و فقها بدون توجه به این اصل و اصولاً براساس تفسیر ادبی از ماده بیان شده است. بنا به نظر برخی حقوقدانان و فقها بعد از انقضاء مدت مزارعه عامل باید زمین را به مزارع تحویل دهد. و در صورت نارس بودن زرع مالک مخیر است زرع را ازاله کند یا با گرفتن اجرت المثل در زمین ابقاء کند، چه آنکه نرسیدن زرع ناشی از تقصیر عامل باشد بطور مثال به موقع به محصول آب نداده باشد چه ناشی از قوه قاهره مانند اینکه عدم

رسیدن زرع ناشی از خشک سالی باشد که قابل پیش‌بینی و پیشگیری نبوده است (حلی، ۱۴۱۸:ج ۱، ۳۱۳؛ خویی، ۱۴۰۹:ج ۱، ۳۲۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۸:ج ۹، ۳۷۰). معلوم نیست چرا باید عاملی را که تمام مواظبت و سعی خود را جهت رسیدن محصول انجام داده است، بخاطر حادثه ایی که خارج از اراده و پیش‌بینی او بوده است مسؤل قلمداد و تمام ضرر ناشی از نرسیدن زرع را بر وی تحمیل نماییم. در حالی که مستفاد از مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی قوه قاهره متعهد را از انجام تعهد معاف می‌کند بدون آنکه هزینه ایی را بردوش متعهد بار تحمیل نماید. یکی از مبانی قوه قاهره اصل حسن نیت است. شرایط قوه قاهره که باید خارج از اراده متعهد، غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیشگیری باشد دلالت بر عدم تقلب و تقصیر متعهد می‌کند. بنابراین باید ماده مذکور را مختص موردی دانست که شخص عامل مرتکب تقصیری شده باشد. در واقع باید عامل با حسن نیت و عامل با سوء نیت را تفکیک کرد. چرا که شخصی که متعهد است و به علت قوه قاهره نمی‌تواند تعهد خویش را ایفا کند، با توجه به شرایط استناد به قوه قاهره که عبارت است از خارج از کنترل متعهد بودن، غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیشگیری بودن حادثه فاقد تقصیر است و با صداقت رفتار کرده است، همچنین می‌توان گفت چنین شخصی با وجود شرط غیر قابل پیش‌بینی جاهل هم است و لذا با توجه به اصل حسن نیت مستلزم حمایت قانون می‌باشد. بنابراین با توجه به اصل حسن نیت اعمال این ماده بر متعهد دارای حسن نیت درست نیست.

<

گفتار سوم: حقوق تطبیقی

بر خلاف قانون مدنی ایران در ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر به اجرای با حسن نیت قراردادهای تصریح شده است (سنه‌وری، ۲۰۰۹، ج ۶: ۶۲۶). در حقوق مصر در صورت انقضای مدت مزارعه و نرسیدن زرع، بذر تا زمان رسیدن در زمین باقی می‌ماند و صاحب زمین حق ازاله آن را ندارد (همان، ۲۰۰۹: ۷۷۸). ماده ۶۱۷ قانون مدنی مصر بیان می‌دارد: «در صورتی که در پایان مدت اجاره، محصول به سببی که قابل انتساب به مستأجر، نباشد نرسیده باشد مستأجر می‌تواند با پرداخت اجاره بها به نسبت، محصول را در زمین نگه دارد تا برسد». ماده ۶۱۷ که در باب اجاره است طبق ماده ۶۲۰ قانون مذکور شامل مزارعه نیز می‌شود مگر متعاقبین شرط خلاف کرده باشند یا عرف بر خلاف آن باشد. بنابراین در حقوق مصر بین عاملی که مرتکب تقصیر شده با عاملی که مرتکب تقصیری نشده است، تفاوت وجود دارد. در حقوق اردن در صورت انقضای مدت و نرسیدن زرع صاحب زمین حق ازاله زراعت را ندارد، و عامل هم باید اجرت المثل زمین را به نسبت سهمش از محصول تا زمان رسیدن بذر پرداخت نماید. ماده ۷۳۳ قانون مدنی اردن مقرر می‌دارد: «عقد مزارعه با انقضای مدت پایان می‌پذیرد. در صورتی که قبل از رسیدن زرع مدت مزارعه منقضی شود عامل می‌تواند با

پرداخت اجرت المثل زمین به نسبت سهمش از محصول زرع را دز مین باقی نگه دارد». همانطور که ملاحظه می‌شود مقنن اُردنی مطلقاً حق ازاله زرع را به مالک زمین نمی‌دهد که از نظر ما خلاف اصل حسن نیت می‌باشد. ماده ۸۱۴ قانون مدنی عراق نیز در حکمی مشابه بیان می‌دارد: «هرگاه مدت مزارعه منقضی شود و زرع نرسیده باشد زرع تا زمان رسیدن باقی خواهد ماند و عامل ملزم است که اجرت المثل زمین را به قدر سهم خود از محصول به مالک زمین پرداخت نماید». ماده ۱۵۰ قانون ق.م.ع به اینکه قراردادها باید با حسن نیت اجرا شوند تصریح می‌کند. در حقوق عراق نیز به مانند حقوق اکثر کشورهای عربی دیگر به حسن نیت در مرحله انعقاد عقد تصریح نشده است. دکتر شیرزاد عزیز سلطان در این رابطه گفته‌اند: «لازم نیست که اصول قانونی در متون و قوانین حقوقی داشته باشیم، ممکن است که یک اصل وجود داشته باشد که به صراحت بیان نشده باشد یعنی در خصوص آن صراحت قانونی نداشته باشیم مانند اصل حسن نیت، اما این دلیل بر این نمی‌شود که آن رامورد بررسی و تحلیل قرار ندهیم». (عزیز سلیمان، بی تا، ۸۶). همچنین ماده ۱۸۴ ق.م.ع به سوء نیت و حسن نیت حائز و اینکه از زمانی که حائز عالما ملک دیگری را تصرف می‌کند دارای سوء نیت می‌باشد تصریح دارد.

در حقوق سوریه در ماده ۱۴۹ قانون مدنی به اصل حسن نیت در اجرای قرارداد تصریح شده است (کشوری، ۱۳۷۴: ۱۶۱). در قانون مدنی قطر حسن نیت از جمله مبانی برخی از قوانین موضوعه می‌باشد (خوئینی؛ مشایخ، ۱۳۹۴: ۵). مواد ۹۴۵ تا ۹۴۷ ق.م.ع تحت عنوان حسن نیت و سوء نیت حائز می‌باشد. بند سه ماده ۹۴۵ ق.م.ع به اینکه اصل بر این است اشخاص با حسن نیت هستند و سوء نیت نیازمند اثبات است تصریح می‌کند. ماده ۹۴۶ نیز مقرر می‌دارد حائز با سوء نیت شخصی می‌باشد که از روی علم و آگاهی در مال غیر تصرف کند. در ق.م.ع ماده مجزایی مانند ماده ۵۴۰ قانون مدنی ایران برای مزارعه آورده نشده است. اما در عین حال ماده ۶۵۷ قانون مذکور مقررات باب اجاره زمین برای زراعت را به مزارعه نیز تسری داده است. طبق ماده ۶۴۶ قانون مدنی مذکور هرگاه با انقضای مدت اجاره محصول زمین نرسیده باشد، مستأجر می‌تواند با پرداخت اجرت المثل زمین آن را در عین مستأجره باقی گذارد به شرطی که نرسیدن زرع ناشی از تعدی و تفریط وی نباشد، اما اگر نرسیدن زرع ناشی از تقصیر وی باشد باید علاوه بر اجرت المثل زمین ضرر و زیان‌های مالک را نیز پرداخت نماید. بنابراین در کشور مزبور نیز بین عاملی که مرتکب تقصیر شده با عاملی که مرتکب تقصیری نشده است، تفاوت وجود دارد.

نتیجه

همانطور که بررسی شد، اکثر حقوقدانان و فقها بین عامل با حسن نیت و عامل با سوءنیت تفکیکی قایل نشده‌اند؛ نظریه آن عده از فقها و حقوقدانان که ازاله زراعت را در صورت پرداخت ارش جایز می‌شمارند نیز دارای ایراد می‌باشد، اشکال وارد بر نظریه این عده این است که مطلقاً مزارع را مکلف به پرداخت ارش می‌دانند اعم از اینکه عامل در نرسیدن زرع مقصر باشد یا به علت قوه قاهره زرع نرسیده باشد. این نظر در صورتی که نرسیدن زرع ناشی از قوه قاهره باشد منطقی و قابل قبول است، اما در صورتی که نرسیدن زرع ناشی از تقصیر عامل باشد منطقی و قابل قبول نمی‌باشد. البته نظر بعضی از حقوقدانان و فقها که حکم ماده ۵۴۰ قانون مدنی را مختص عامل مقصر می‌دانستند هرچند از لحاظ نتیجه با نتیجه‌ای که از تفسیر بر مبنای حسن نیت حاصل می‌شود یکسان است، ولی استدلال و دلایلشان به اندازه اصل حسن نیت قوی و مستحکم نیست زیرا به قوه قاهره که مبتنی بر اصل حسن نیت؛ وقاعده عمومی معافیت از مسئولیت در تعهدات چه در تعهدات قراردادی و چه در تعهدات غیر قراردادی می‌باشد توجه ایی نکرده‌اند. هرچند اصل حسن نیت در قانون مدنی ایران صراحتاً بیان نشده است، اما با توجه به مواد مختلف مانند ماده ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی که دادن مهلت عادلانه را برای شخص مدیون تجویز می‌کنند و مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی که مقنن متعهد را در فرضی که در عدم انجام تعهد تقصیری نداشته است معاف از انجام تعهد و پرداخت خسارت می‌داند، دلالت بر این دارد که حسن نیت بطور ضمنی در حقوق ایران شناسایی شده و مورد قبول قرار گرفته است. در فقه نیز به مانند قانون مدنی به حسن نیت بطور صریح اشاره نشده است، اما از لحاظ مفهومی، بیگانه نیست، وجود قواعدی مثل لاضرر و منع تدلیس منطبق با مبانی حسن نیت می‌باشند، لذا حسن نیت به عنوان یک اصل حقوقی در مواردی که حکم قانون‌گذار مبهم یا متعارض است و نیاز به تفسیر دارد با توجه به اصل ۱۶۷ و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی می‌تواند مبنای تفسیر قضات در صدور رای قرار گیرد. اگر ماده ۵۴۰ قانون مدنی بر مبنای اصل حسن نیت تفسیر شود چند فایده دارد اولاً: مواد مذکور را با قواعد عمومی قرار دادها منطبق می‌کند و در جهت یگانگی نظام حقوقی است. دوماً: تفسیر بر مبنای مذکور علاوه بر اینکه در جهت تعامل اخلاق و حقوق می‌باشد، حکم ماده مذکور را با عرف جامعه هماهنگ می‌کند. ثالثاً: چنین تفسیری با آنچه که علم حقوق دنبال تحقق آن است، یعنی عدالت سازگار و همسو است. رابعاً: چنین تفسیری علاوه بر اینکه منطبق با مبانی و قواعد فقهی ما می‌باشد، همسو با راه حل حقوقی کشورهای دیگر نظیر قطر و مصر می‌باشد.

منابع

۱. اصغری آق مشهدی، فخرالدین و علی محمد زاده (۱۳۸۵). وضعیت زرع بعد از انقضای مزارعه، مقالات و بررسی‌ها، مجله دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دفتر ۸۲، ۹-۱۹.
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۸۴). حقوق مدنی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی.
۳. انصاری، علی (۱۳۸۸). مفهوم و معنای حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی)، دوره ۱۳، شماره ۴، ۱۹-۴۴.
۴. امینی، منصور و ابراهیمی یحیی (۱۳۹۰). حسن نیت در قراردادها- از نظریه تا عمل، حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۲، ص ۲۳.
۵. بروجردی عبده، محمد (۱۳۹۲). حقوق مدنی، انتشارات مجد.
۶. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر [علامه حلی] (۱۳۸۸). تذکرة الفقهاء، تهران: مرتضوی.
۷. حلی، نجم الدین جعفر بن زهدری (۱۴۲۸). ایضاح ترداالتشرايع، ج ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۸. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۹). مبانی العروة الوثقی، ج ۱، قم: منشورات مدرسه دارالعلم.
۹. (۱۴۱۸). موسوعة الإمام الخوئی، ج ۳۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۱۰. خوئینی، غفور و میلاد مشایخ (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری بر فرض تقلب شریک یا شرکا در نظام حقوقی از انگلستان، قطر و ایران، پژوهش‌نامه حقوق خصوصی عدالت، دوره دو، شماره ۴.
۱۱. السنهوری، عبدالرازق (۲۰۰۹). الوسیط فیال شرحال قانون المدنی الجدید، ج ۶، بیروت: منشور اتالحبلیال حقوقی.
۱۲. شاهرودی، سیدمحمد (۱۴۲۶). بحوث فی فقه الزراعی، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
۱۳. صمیری، مفلح بن حسن (۱۴۲۰). غایة المرام فیشر حشرايع الاسلام، ج ۲، بیروت: دارالهادی.
۱۴. طباطبایی، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸). ریاضالمسائل، ج ۹، قم: مؤسسه آل بیت (ع).
۱۵. طباطبایی، سیدمحمد صادق و سیدحسین اسعدی (۱۳۹۵). باز پژوهی تأثیر قوه قاهره بر وضعیت زراعت پس از انقضای مدت مزارعه، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۲، شماره ۴، ۶۶۳-۶۹۴.

۱۶. طوسی، ابوجعفر بن محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامية، ج ۳، تهران: مرتضوی
۱۷. عدل، مصطفی (۱۳۹۴). حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، انتشارات خرسندی
۱۸. عزیز سلیمان، شیرزاد(بی تا). حسن النية فی إبرام العقود، دراسة فی ضوء القوانين الداخلية والاتفاقيات الدولية، ط ۱، دار دجلة، عمان، الأردن
۱۹. فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷). ایضاحال فوائد، ج ۲، قم: موسسه اسماعیلیان
۲۰. کاتوزیان، ناصر(۱۳۸۹). عقود معین، ج ۱، شرکت سهامی انتشار
۲۱. ----- (۱۳۸۹). عقود معین، ج ۲، شرکت سهامی انتشار
۲۲. کرکی، علی بن حسین [محقق کرکی] (۱۴۱۱). جامع المقاصد فی شرح القواعد، بیروت: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث
۲۳. کشوری، عیسی(۱۳۷۴). کاربرد قواعد فقه در حقوق با مطالعه تطبیقی قاعده عسر و حرج، ج ۱
۲۴. نجفی، محمد حسن(۱۴۹۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالکتب اسلامیة
۲۵. وجدانی فخر، قدرت الله(۱۴۲۶). جواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، ج ۹، قم: انتشارات سماء قلم.

二